

مقالات

دکتر سید محمد تقی طیب / دکتر محمد توحید فام
دکتر مهدی قرخلو / دکتر ابوطالب میر عابدینی
دکتر عزت ا... نوذری / دکتر محسن مدیر شانه چی
محمد قربان زاده آهنگری



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

گفت‌وگوی تمدن‌ها از دیدگاه گفتمان‌شناسی

سید محمدتقی طیب *

چکیده:

در این مقاله مسأله گفت‌وگوی تمدن‌ها از دیدگاه گفتمان‌شناسی (تحلیل کلام) مورد بررسی و کنکاش قرار گرفته است. از آن‌جا که گفتمان‌شناسی، پدیده گفت‌وگو را با روش علمی و دور از گرایش‌های آرمان‌خواهانه و ایده‌آلیستی مورد بررسی قرار می‌دهد، یافته‌های وی از دیدگاه پدیدارشناسی و اپیستمولوژی، به واقعیت‌های جهان هستی نزدیک است. بررسی حاضر از یک سو این فرصت را در اختیار گفت‌وگوکنندگان بالقوه گفت‌وگوی تمدن‌ها قرار می‌دهد که اولاً اهداف گفت‌وگو را به آنچه که واقعاً از عهده گفت‌وگو برمی‌آید، نزدیک و یا تعدیل نمایند، دوم آنکه روند گفت‌وگو و محتوای آن را در مسیر تحقق اهداف واقعی - و نه آرمانی - قرار دهند و سوم آنکه در انتخاب شرایط زمان و مکان گفت‌وگو، اهداف را مدنظر داشته باشند تا بدین‌سان ضمن افزایش بازده گفت‌وگو، از میزان ضایعات آن بکاهند. از سوی دیگر، این امر می‌تواند افکار عمومی را جهت پذیرش نتایج گفت‌وگوی تمدن‌ها آماده‌تر ساخته، انتظارات آرمان‌گرایانه و دور از دسترس آنها را به واقعیت نزدیک نماید.

کلید واژه‌ها: گفت‌وگو، پدیدارشناسی، اپیستمولوژی، زبان‌شناسی، واجشناسی

مقدمه

گرچه گفت‌وگوی تمدن‌ها ابعاد و راهکارهای گوناگون (از قبیل هنر، ادب، جهانگردی و غیره) را شامل می‌شود، ولی هم‌چنان که از عنوان آن پیداست، نفس "گفت‌وگو" شاید مهم‌ترین نقش را در فراشد آن عهده‌دار باشد. به همین لحاظ، در این مقاله سعی شده که شرایط و الزامات یک گفت‌وگوی سازنده و مؤثر از دیدگاه گفتمان‌شناسی، مورد بررسی و کنکاش قرار گیرد.

گفتمان‌شناسی یکی از شاخه‌های نسبتاً جدید زبان‌شناسی نوین است. گفتمان‌شناس درصدد این نیست که به مردم بگوید چگونه سخن گویند، در فرایند گفت‌وگو به چه نکاتی بپردازند و از چه مواردی بپرهیزند. گفتمان‌شناس براین باور است که توانش گفتمانی، بخشی از توانش عمومی زبانی زبانمندان است و لذا، گفت‌وگوی عادی و طبیعی مردم را به‌عنوان داده‌های بررسی خود برمی‌گزیند و به‌عنوان یکی از پدیده‌های جهان هستی، به تحلیل آن می‌پردازد. از دیدگاه وی، زبانمندان در گفت‌وگوهای طبیعی و عادی خود عموماً موفق هستند و موارد عدم تفاهم و یا سوء تفاهم به‌طور نسبی آنقدر ناچیز است که از نظر آماری بی‌معنی و غیرقابل اعتناست. ولی همین موارد بسیار کمیاب عدم تفاهم یا سوء تفاهم در گفت‌وگو، داده‌های بسیار ارزشمندی برای پژوهش‌های گفتمان‌شناسی است.

گفتمان‌شناسان با تحلیل سخن زبانمندان، به نکات بسیاری دست یافته‌اند که به مناسبت بحث، به برخی از آنها اشاره می‌شود: (۱) شیوه‌ها و تمهیداتی که گوینده جهت تضمین موفقیت خود در کلام به کار می‌بندد (۲) عوامل برون‌زبانی مؤثر در کلام (۳) شیوه‌ها و راه‌کارهایی که شنونده برای پی بردن به منظور اصلی گوینده از آن بهره می‌جوید. به بیان دیگر، عوامل مؤثر در رسیدن به یک تفسیر درست از کلام (۴) اصول حاکم بر هر گفت‌وگو (۵) موارد نقض این اصول که موجب اختلال در کلام و در نتیجه، عدم تفاهم یا سوء تعبیر و تفسیر نادرست کلام می‌گردد.

نگاه پدیدار شناسانه به گفت‌وگو

قبل از ورود به بحث، بهتر است از دیدگاه پدیدارشناسی ماهیت گفت‌وگو مشخص گردد. در

همه شاخه‌های زبان‌شناسی از جمله واج‌شناسی^۱، ساخت‌واژه، نحو و معنی‌شناسی، نگرش زبان‌شناس به داده‌های خود، نگرشی "محصولی" است. بدین معنی که زبان‌شناس داده‌های خود را یک محصول^۲ که حاصل کار تولیدی گوینده و یا نویسنده است، تلقی می‌نماید. او در واقع

۱- واج‌شناسی که معادل فارسی Phonology است، یکی از شاخه‌های بنیادین زبان‌شناسی به شمار می‌رود. واج‌شناسی در واقع، بررسی جنبه‌های کارکردی آواشناسی (Phonetics) در هر یک از زبان‌های طبیعی و به عبارت ساده‌تر، صوت‌شناسی هر زبان است. از عمده مباحث واج‌شناسی، تعیین نظام واج‌آرایی هر زبان، ساختمان هجا، نقش عناصر زیرزنجیری (مانند آهنگ، تکیه، مکث و غیره) و چگونگی تغییرات واج - واژی (Morphophonemic) در هر زبان می‌باشد.

۲- در همه شاخه‌های زبان‌شناسی، تنها داده‌های معتبر و دارای ارزش مطالعه قطعات کلام، یعنی اظهارات کلامی است که چه به صورت گفتار و یا نوشتار توسط زبانمندان بومی در شرایط طبیعی و عادی تولید می‌گردد. از این نظر گفتمان‌شناسی با دیگر شاخه‌های زبان‌شناسی تفاوت ندارد، ولی اختلاف گفتمان‌شناسی با دیگر شاخه‌های زبان‌شناسی از دیدگاه داده‌پردازی در دو مسأله است:

الف) همه شاخه‌های زبان‌شناسی قبل از تحلیل داده‌ها به پالایش آنها می‌پردازند (مثلاً در شاخه "نحو"، جمله‌های شکسته، ناقص و نیمه‌تمام از فهرست داده‌ها حذف می‌گردند) ولی گفتمان‌شناس به ویژه در مقام کاربرد شناسی، نه تنها این داده‌ها را حذف نمی‌کند؛ بلکه بررسی و تحلیل آنها و مشخص کردن دلایل، عوامل و زیربنای انگیزه تولید آنها، افق‌های تازه‌ای را در شناخت کاربرد زبان به روی وی (و در واقع به روی ما) می‌گشاید.

ب) در همه شاخه‌های زبان‌شناسی، داده‌ها (که همان کلام تولید شده هستند) به عنوان اعیان مادی و فیزیکی و در واقع، محصولات تولید کلام بررسی می‌شوند. اصطلاحی که برخی زبان‌شناسان برای اطلاق به آنها به کار می‌برند، عبارت "کلمه روی کاغذ" (word on paper) است. این تنها در گفتمان‌شناسی است که کلام نه به عنوان یک محصول (Product) بلکه به عنوان یک جریان (Process)، آن هم جریان زنده و پویا، مورد بررسی قرار می‌گیرد. راز اینکه هر کس در قرائت غزل حافظ برداشتی ویژه از آن دارد و یا حتی یک نفر در قرائت‌های مکرر از یک غزل حافظ برداشت‌های متفاوت دارد، در همین مسأله زنده و پویا بودن کلام نهفته است. چراکه عیون مادی و بی‌روح نمی‌توانند دارای تجلیات و تأثیرات بدین‌گونه متفاوت باشند. تفسیرها و

خواننده و یا شنونده را مصرف‌کنندهٔ این محصول می‌داند. تنها در گفتمان‌شناسی است که چنین نگرشی وجود ندارد.

گفتمان‌شناسی، گفت‌وگو را نه یک محصول، بلکه یک "فرایند" (Process) می‌داند که در آن نه گوینده تولیدگر است و نه شنونده مصرف‌کننده؛ جریانی همیشه زنده و پویا که در آن گوینده و شنونده، قرائن زبانی^۱، قرائن برون‌زبانی^۲، موضوع زمان، مکان، هدف، انگیزه و دهها عامل مؤثر دیگر در فراسازی و پویایی این فرایند مشارکت دارند. گفت‌وگو از دیدگاه گفتمان‌شناسی، نه یک "شده" بلکه یک "شدن" و حتی یک "همیشه شدن" است؛ اگرچه صدها سال از زمان آن گذشته باشد. [یکی از دلایل آنکه ما قرآن را کتابی همیشه زنده و پویا می‌دانیم همین امر است؛ زیرا بخش عظیمی از آن گفت‌وگو و خطاب است. (۱) و گویندهٔ آن (خدا) و مخاطب آن (انسان) همیشه زنده و در جریان آن مشارکت دارند.]

با چنین نگرشی به گفت‌وگو، دیگر جای آن نیست که گفت‌وگوگران تمدن‌ها، خود را دو قطب مقابل و احیاناً مخالف بدانند و سعی در تحمیل دیدگاه‌های خود بر یکدیگر داشته باشند. زیرا این مجادلهٔ تمدن‌ها و یا حتی مباحثهٔ تمدن‌ها نیست، بلکه "گفت‌وگویی" تمدن‌هاست. گفت‌وگوگران تمدن‌ها در واقع، شرکایی هستند که یکدیگر را کمک می‌کنند تا جریانی را در جهان امروز به حرکت درآورند که به سوی همزیستی، مسالمت، تسامح، تساهل، مساعدت، معاضدت و بالاخره، دوستی و همدلی حرکت کند و از تنش، خشونت و برخورد، هرچه بیشتر دور گردد و این همه، با نگرش واقع‌گرایانه و علمی به فرایند گفت‌وگو، چندان دور از دسترس نمی‌نماید.

قرائت‌های متفاوت از قرآن کریم نیز گویای زنده و پویا بودن این کلام مقدس است.

۱- قرائن زبانی که معادل co - text به کار رفته و اصطلاح زبان‌شناسی اسلامی آن "قرائن مقالیه" است، به عناصری اطلاق می‌گردد که فهم و درک بخشی از کلام با عنایت به آنها میسر می‌گردد. مانند مرجع ضمیر شخصی که در واقع معنای ضمیر است و بدون آن ضمیر نامفهوم و نامعنی است.

۲- قرائن برون‌زبانی که معادل context است و در زبان‌شناسی اسلامی به "قرائن خالیه" تعبیر می‌شود، به عناصری بیرون از متن زبانی گفته می‌شود که فهم و درک بخشی از متن موقوف به عنایت به آنها باشد. مانند مرجع ضمیر اشاره که شئی یا شخصی در جهان خارج (از زبان) است.

هدف از گفت‌وگویی تمدن‌ها

با توجه به مراتب بالا، بهتر است کمی بیشتر و علمی‌تر به هدف گفت‌وگویی تمدن‌ها بپردازیم. لایتز (۲) برای هر "اظهار زبانی"^۱ سه معنای متفاوت قائل است: ۱- معنای قضیه‌ای یا توصیفی^۲، ۲- معنای ابرازی یا عاطفی^۳ و ۳- معنای بین‌انسانی یا مرابطه‌ای.^۴ نکته شایان توجه این است که این معانی نه تنها مانع‌الجمع نیستند، بلکه در تزاخم با یکدیگر نیز نمی‌باشند. به طوری که یک اظهار می‌تواند دربردارنده هر سه معنی و یا دو معنی باشد؛ ولی در چنین حالاتی، غالباً غلبه با یکی از معانی است و معنای دیگر یا دو معنای دیگر، کم‌رنگ‌تر خواهند بود. در یک متن ریاضی محض، بعید است معنای عاطفی یا مرابطه‌ای داشته باشیم. هنگامی که

۱- اظهار زبانی معادل Utterance است و منظور، قطعه‌ای از کلام (ملفوظ یا مکتوب) است که می‌تواند کمتر از جمله و یا چندین جمله باشد. اظهار زبانی هنگامی که به صورت یک مجموعه منسجم باشد، یک متن (text) را تشکیل می‌دهد.

۲- در معنی‌شناسی همین‌طور که کلمه دارای معنی است و "معنی - کلمه" دارای انواع گوناگون است، جمله نیز دارای معنی است و "معنی - جمله" نیز انواع مختلف دارد. اکثر معنی‌شناسان (از جمله لایتز و هم‌چنین هالیدی) قائل به سه نوع "معنی - جمله" هستند. یکی از آنها، معنای "توصیفی یا قضیه‌ای" است که معادل فارسی Descriptive or Propositional meaning می‌باشد و منظور محتوای قضیه‌ای جمله است.

۳- معنای ابرازی - عاطفی، معادل فارسی Expressive meaning می‌باشد و آن هنگامی است که گوینده درصدد ابراز نگرش و احساس خود باشد.

۴- معنای "بین‌انسانی" یا "مربطه‌ای" به ترتیب معادل فارسی Interpersonal و Social meaning می‌باشد و همین‌طور که از نامش پیداست، برای برقراری رابطه اجتماعی با دیگران و یا تشبیت، تأکید و استمرار روابط اجتماعی به کار می‌رود. در اکثر موارد، معنای ابرازی - عاطفی با معنای بین‌انسانی یا مرابطه‌ای آمیخته است و در این مورد، لایتز آن را معنای "مربطه‌ای - ابرازی" (Socio-expressive) می‌نامد. ولی در هر صورت، این دو معنی به راحتی قابل بازشناخت از معنای قضیه‌ای می‌باشد و ملاک تشخیص آن، "صدق و کذب‌پذیری" Truthability معنای قضیه‌ای است، درحالی که معنای ابرازی - عاطفی و معنای مرابطه‌ای قابل صدق و کذب نمی‌باشند. (۳)

مادر، نوزاد خود را زیر سینه قرار داده و او مشغول نوشیدن شیر است، عواطف و احساسات مادرانه موجب ابراز سخنان شیرینی می‌گردد که نه محتوای قضیه‌ای آنها اهمیتی دارد و نه مادر را قادر به برقراری رابطه با نوزاد می‌نماید. در این سخنان، غلبه با معنای عاطفی است. و بالاخره، گاهی سخن برای سخن است، برای شکستن دیوار بلند سکوت و باز کردن باب گفت‌وگو. دیگر چندان فرقی نمی‌کند که محتوای قضیه‌ای سخن چه باشد. زیرا هدف رابطه است. از این جمله است راز و نیاز عاشق و معشوق که در آن غلبه با معنای رابطه‌ای و تا حدودی عاطفی است و معنای قضیه‌ای اهمیتی ندارد. یک نمونه از نوع اخیر گفت‌وگو، اطناب موسی (ع) در پاسخ به خدای عزوجل است. آن‌جا که فرمود: «ای موسی چه در دست داری؟» و موسی پاسخ داد: «این عصای من است؛ برآن تکیه می‌کنم و با آن برای گوسفندانم برگ درختان فرو می‌تکانم و به دیگرکارهایم نیز همی‌آید.» (۴) برای موسی (ع) همان جمله اول پاسخ (این عصای من است) کافی می‌نمود. اطناب موسی (ع) در پاسخ تنها با این انگیزه بود که لختی بیشتر با خدای خود در گفت‌وگو باشد.

در گفت‌وگوی تمدن‌ها هیچ ضرورتی ندارد که هدف، کوتاه آمدن تمدن‌ها در قبال یکدیگر و یا حتی تأثیرپذیری آنها از یکدیگر باشد (گرچه اگر باشد خوب است). تمدن چیزی نیست که با گفت‌وگو آمده باشد که با گفت‌وگو برود، با گفت‌وگو فراساخته شده باشد که با گفت‌وگو فروریزد و بالاخره، با گفت‌وگو شکل گرفته باشد که با گفت‌وگو شکل عوض کند. اگر انتظار ما از گفت‌وگوی تمدن‌ها در این حد و اندازه است، بهتر است که آن را کمی تعدیل کنیم. گفت‌وگوی تمدن‌ها همانقدر که نمایندگان تمدن‌های عمده جهان را بر سر یک میز گردآورده، همانقدر که دیوار بلند سکوت چند صدساله بین آنان را بشکند، خود دست‌آورد ارزشمندی است؛ اگرچه هیچ نتیجه ملموس و محسوسی به بار نیاورده باشد. گفت‌وگوگران تمدن‌ها قبل از آنکه به محتوای قضیه‌ای گفت‌وگوها بیاورند، باید در اندیشه محتوای رابطه‌ای و بین انسانی آن باشند. اگر ما به‌عنوان نماینده تمدن شاخص "اسلامی - ایرانی" با نمایندگان دیگر تمدن‌های جهان، به‌ویژه با نمایندگان تمدن‌های فائق به گفت‌وگو بنشینیم، نفس این گفت‌وگو برای ما ارزشمند است. کمترین دست‌آورد این گفت‌وگو، به رسمیت شناخته شدن تمدن ما - حداقل به‌صورت دو فاکتو - توسط صاحبان دیگر تمدن‌هاست.

از دیگر دست‌آوردهای این گفت‌وگوها، شناخت بیشتر و بهتر تمدن‌ها از یکدیگر و در نتیجه، شفاف شدن علل تیرگی‌ها در روابط آنها، روشن شدن نقاط کور ارتباطی و ذوب شدن تدریجی یخ‌های بدبینی، سوءظن و بی‌اعتمادی است.

روند گفت‌وگو

براون^۱ و یول^۲، زیربنای هر گفت‌وگو را دانش مشترک بین گفت‌وگوگران می‌دانند. به نظر آنان، هر گفت‌وگو بنایی است که بر روی پی‌های اطلاعات مشترک بین طرفین گفت‌وگو فراساخته می‌شود. به همین جهت، هرچه اطلاعات مشترک و دانش جهانی مشترک بین گفت‌وگوگران بیشتر باشد، امکان تفاهم بیشتر است. در واقع، گوینده پیوسته در صدد است که گفتار خود را با دانش مخاطب خود، همسطح و همسو نماید. (۵)

نتیجه آنکه، هرچقدر ما از کم و کیف دیگر تمدن‌ها اطلاع بیشتری داشته باشیم و در واقع، شناخت بیشتری از دانش طرف گفت‌وگوی خود به دست آوریم، احتمال موفقیت ما در گفت‌وگو بیشتر است. بنابراین، مقدمه واجب برای نمایندگان ما در گفت‌وگوی تمدن‌ها، کسب اطلاعات و شناخت بیشتر نسبت به این تمدن‌هاست. نکته دیگر، تکیه بر این مشترکات در گفت‌وگوست. یک گفت‌وگو هنگامی سازنده خواهد بود که از نقاط اشتراک و اتفاق شروع شود. زیرا شنوندگان دوست دارند که از گوینده مطالب مورد انتظار خود را بشنوند. برخی از آزمایش‌ها توسط گفتمان‌شناسان نشان داده است که در موقعیت‌هایی که انتظارات شنوندگان در سمت و سوی خاصی قرار گرفته و مرکز شنوایی مغز آنان در جهت خاصی برنامه‌ریزی شده است - مانند صاحبان عزا در یک مجلس ختم یا میزبانان یک جشن عروسی - این افراد انتظار شنیدن یک سری عبارات کلیشه‌ای و مشخصی را دارند، چنان‌چه کلماتی که هیچ مناسبتی با آن موقعیت ندارد در لابلای سخنان مورد انتظار اظهار شود، اصلاً گوش شنوندگان آنها را نمی‌شنوند و هیچ متوجه آن نمی‌شوند. نگارنده نظیر این آزمایش‌ها را در کشور خودمان هم در روی صحنه تئاتر و هم در یک مجلس روضه‌خوانی سراغ دارد و نتیجه، مؤید این نظر بوده است. (۶) شنوندگان

پیوسته به طور ناخودآگاه سعی دارند که سخنان گوینده را در راستای انتظارات و تمایلات خود دریافت، تفسیر و گاهی تأویل نمایند. براین اساس، بهترین روند برای یک گفت‌وگوی سازنده آن است که نقطه آغاز گفت‌وگو از مشترکات باشد و در طول گفت‌وگو نیز سخن پیوسته بر محور مشترکات بچرخد. خوشبختانه قرآن نیز نسبت به گفت‌وگو همین روش را توصیه می‌نماید؛ آن‌جا که می‌فرماید:

«بگو ای اهل کتاب! بیایید بر سر سخنی که بین ما و شما یکسان است بایستیم که جز خداوند را نپرستیم و برای او هیچ‌گونه شریکی نیاوریم و هیچ کس از ما، دیگری را به جای خداوند به خدایی برنگیرد و اگر روی گردان شدند، بگوئید شاهد باشید که ما فرمانبرداریم.» (۷)

و در جای دیگر، در شیوه گفت‌وگو با اهل کتاب چنین فرماید:

«و با اهل کتاب جز به شیوه‌ای که نیکوتر است مجادله نکنید، مگر با ستمگران آنان، و بگوئید به آن‌چه بر ما و به آن‌چه بر شما نازل شده است، ایمان آورده‌ایم و خدای ما و خدای شما یکی است و ما همه فرمانبرداریم.» (۸)

یکی دیگر از اصولی که معمولاً زبانمندان در فرایند گفت‌وگو رعایت می‌کنند، اصل ادب^۱ است که اولین بار در کنار اصول چهارگانه گرایس مطرح شد (۹) و سپس لیچ و دیگران به گسترش و تکمیل آن پرداختند. به موجب این اصل، زبانمندان در کلام عادی و طبیعی، مراتب نزاکت، ادب و متانت را رعایت می‌کنند و شنوندگان نیز انتظار رعایت آن را توسط گوینده دارند؛ جز در موارد خاص که گوینده - تحت تأثیر انگیزش‌هایی که بیشتر برون‌زبانی است - هدف خاصی را از نقض این اصل دنبال نماید.^۲ از جنبه‌های^۳ تعریف شده اصل ادب می‌توان به موارد زیر اشاره

1- The principle of politeness

۲- نقض اصول گرایس در گفت‌وگو اگر ناآگاهانه و در اثر بی‌توجهی گوینده و یا شنونده باشد، موجب اختلال در روند گفت‌وگوست. اما اگر آگاهانه و عمدی باشد، چه از طرف گوینده و چه از طرف شنونده، با انگیزه و هدف خاصی صورت گرفته است. برای روشن شدن موضوع، دو نمونه از نقض آگاهانه اصل ادب، یکی از طرف شنونده و یکی از طرف گوینده بیان می‌گردد. هنگامی که سخنان گوینده مورد تأیید و یا پسند

نمود: ۱- پرهیز از کاربرد دُشواژه‌ها^۴ (کلمات ممنوعه و مستهجن) ۲- پرهیز از هرگونه پرخاشگری، درشتی و داد و فریاد ۳- رعایت منزلت و جایگاه اجتماعی مخاطب نسبت به گوینده در انتخاب نوع واژه‌ها و ساخت‌های دستوری ۴- استفاده از آهنگ و لحن متین و ملایم ۵- دوری از خشم و عصبانیت در حین گفت‌وگو ۶- نداشتن چهرهٔ عبوس، غمگین، افسرده و ترسناک و همراه ساختن کلام با صدای ملیح ۷- استفاده از تعارفات متداول، مرسوم و مورد انتظار در هر موقعیت کلامی. رعایت اصل ادب نسبت به نوع کلام از درجهٔ اهمیت متفاوتی برخوردار است. به‌طورکلی، هرچه وزن معنایی کلام به سمت معنای بین‌انسانی و مربوطه‌ای گرایش بیشتری پیدا کند، رعایت اصل ادب حساس‌تر و ضروری‌تر خواهد بود و نقض آن بیشتر موجب اختلال در کلام خواهد شد. از آن‌جا که هدف گفت‌وگویی تمدن‌ها قبل از هر چیز فتح باب

شنونده نیست. گاهی اتفاق می‌افتد که شنونده بدون آنکه سخنی بر زبان آورد مجلس را ترک می‌کند. این عمل شنونده، گرچه خلاف اصل ادب است، ولی خود دارای معنی و مفهوم است و مفهوم اعتراض ناشی از آن، چه بسا بسیار رساتر و مؤثرتر از ایراد سخنان اعتراض‌آمیز خواهد بود. جالب توجه است که قرآن کریم در سوره نساء آیه ۱۴۰ نیز نقض اصل ادب را بدین ترتیب و به همین منظور نه‌تنها تأیید، بلکه توصیه می‌نماید: «و در این کتاب بر شما نازل کرده که هر زمان بشنوید به نشانه‌های الهی کفر می‌ورزند و آنها را به ریشخند می‌گیرند، با آنان منشینید تا آنکه به سخن دیگر در آیند، چراکه در این صورت شما هم مانند آنان خواهید بود.» (۱۰) یک نمونه برای نقض اصل ادب توسط گوینده، در جایی است که مورد ستم قرار گرفته و سخن زور و ناحق می‌شنود و تشخیص می‌دهد که با پاسخ مؤدبانه و نرمش نمی‌تواند از حق خود دفاع کند، آنگاه سخن به فریاد بر می‌آورد. بسیار جالب است که در این مورد نیز قرآن مجید در سوره نساء آیه ۱۴۸ نقض اصل ادب را تجویز می‌نماید: «خداوند بانگ برداشتن به بدزبانی را دوست ندارد، مگر از سوی کسی که به او ستم شده باشد.» (۱۱)

3- Features

۴- دُشواژه معادل Taboo words می‌باشد و منظور کلماتی است که مردم کاربرد آنها را در گفتار خلاف ادب و در نوشتار خلاف عفت کلام می‌دانند و اصولاً کاربرد آنها را خوش ندارند و شامل واژه‌های زشت، رکیک، مستهجن، فحش و ناسزا و نظایر آن می‌باشد. (۱۲)

مراوده و مذاکره و شفاف‌سازی روابط است و انتقال پیام قضیه‌ای در درجات بعدی اهمیت قرار دارد، لذا رعایت اصل ادب در گفت‌وگوی تمدن‌ها از اهمیت حساس و ویژه‌ای برخوردار است. به منظور حسن ختام مقاله، اشاره می‌گردد که رعایت اصل ادب در کلام، در جای جای قرآن کریم توصیه شده است و به منظور رعایت اختصار، تنها به دو مورد اشاره می‌شود. آن‌جا که خداوند، موسی و هارون را به رسالت برمی‌گزیند و آنان را مأمور تبلیغ رسالت به فرعون می‌کند. به آنان می‌فرماید:

«به سوی فرعون بروید که سر به طغیان برداشته است و با او سخن نرم

بگویید، باشد که پندگیرد یا خشوع و خشیت یابد.» (۱۳)

و چه خوش می‌سراید مولانا:

موسیا در پیش فرعون زَمَن نرم باید گفت قولا لَیْساً (۱۴)

و در دیگر جای، به گاه برشمردن صفات مؤمنان چنین می‌فرماید:

«چون نادانان ایشان را مخاطب سازند، با مسالمت با آنان در سخن

درآیند.» (۱۵)

نتیجه

اگر گفت‌وگو را حداقل یکی از جنبه‌های مهم و مؤثر گفت‌وگوی تمدن‌ها بدانیم، شناخت شرایط و راه کارهای علمی یک گفت‌وگوی سازنده و مؤثر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. خوشبختانه گفتمان‌شناسی جدید، این راهکارها را فرآوری ما قرار داده است. گرایش اصول چهارگانه‌ای را برای گفت‌وگو ارائه کرده است. یکی از اصول گرایش، «اصل کیفیت» است. یکی از جنبه‌های مهم اصل کیفیت، «رعایت ادب» می‌باشد که پس از گرایش، لیج به تکمیل آن پرداخته است. مهم‌ترین عنصر اصل کیفیت، «صدق در گفتار» است. مهم‌ترین جنبه‌های اصل ادب، رعایت موقعیت، مقام و منزلت اجتماعی طرف گفت‌وگو، نرمش در سخن و مبنا قرار دادن مشترکات در گفت‌وگوست. خوشبختانه قرآن - که برنامه‌ای همیشه زنده و پویاست - یافته‌های گفتمان‌شناسان عصر ما را، به‌ویژه در زمینه اصل کیفیت و جنبه مهم آن یعنی اصل ادب، تأیید و خود نیز این اصول را در حد اعلا رعایت می‌نماید.

منابع و یادداشت‌ها:

۱- سید محمد تقی طیب، تحلیل کلام خدا - بحثی گفتمانی پیرامون متن قرآن مجید، مقالات چهارمین کنفرانس زبان‌شناسی نظری و کاربردی، تهران، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۷۹، جلد اول، ص ۱۷۹.

2- John Lyons, *Semantics*, Cambridge, Cambridge university press, 1978, PP. 51-54.

John Lyons, *Linguistic Semantic*, Cambridge, University press, 1995, PP. 44-45.

3- *Ibid.*

۴- قرآن کریم، ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی، تهران، انتشارات جامی و نیلوفر، ۱۳۵۷، سوره طه، آیه ۱۷ (توضیح: با کمی تصرف نگارنده در ترجمه)

5- Gillian Brown & Gerge Yule, *Discourse Analysis*, Cambridge, Cambridge University press, 1983.

۶- در یک مجلس سوگواری در اصفهان از یکی از وعظ حرفه‌ای خواسته شد که در حین روضه‌خوانی چند جمله از قبل تعیین شده را که هیچ‌گونه ارتباطی با روضه و هیچ‌گونه سنخیتی با مجلس نداشت، به‌طور صریح و آشکار بگوید؛ به‌طوری‌که هیچ یک از مستمعین متوجه نشوند و هیچ‌گونه اختلالی در مجلس پیش نیاید. واعظ مذکور در این کار کاملاً موفق شد. مورد دیگر مربوط به اجرای نمایشنامه آنتو (اثر شکسپیر) توسط دانشجویان در دانشگاه شیراز در سال ۱۳۳۹ می‌باشد. در آن‌جا نیز از یک دانشجوی اصفهانی که یکی از نقش‌های این نمایشنامه را عهده‌دار بود، خواسته شد که یک عبارت از قبل تعیین شده و غیرمرتبط را در روی صحنه و در خلال اجرا به‌طور آشکار و با صدای رسا به زبان آورد. این دانشجوی نیز بدون اینکه هیچ یک از تماشاگران متوجه شوند، موفق به اجرای این برنامه گردید. ممکن است این موفقیت به حساب چیره‌دستی اجراکنندگان گذاشته شود، ولی اگرچه نحوه اجرا و چگونگی جاسازی جمله‌های نامربوط در لابه‌لای جمله‌های مربوط دارای اهمیت است، اصل موضوع با توجه به آزمایش‌های مشابهی که توسط گفتمان‌شناسان به عمل آمده به روانشناسی درک شنوایی "مربوط می‌گردد براساس این اصل شنوندگان بسته به موقعیت و موضوع سخن، مرکز دریافت و تعبیر شنوایی در مغز خود را برای شنیدن مطالب مربوط به آن موقعیت و آن موضوع تنظیم و برنامه‌ریزی می‌کنند و در آن

شرایط مغز آنان آمادگی برای دریافت و تعبیر مطالب نامربوط را ندارد و در واقع گوش مغزشان برای شنیدن نامتجانس کر می‌باشد.

۷- قرآن کریم، سوره آل عمران، آیه ۶۳.

۸- همان، سوره عنکبوت، آیه ۶۴.

9- Gillian Brown & George Yule. *Ibid*, P. 33.

۱۰- قرآن کریم، سوره نساء، آیه ۱۴۰.

۱۱- همان، آیه ۱۴۸.

۱۲- برای اطلاع بیشتر و آگاهی از کاربرد دشواژه‌ها در ضرب‌المثل‌های فارسی، رجوع شود به مقاله نگارنده

با عنوان "تذکره و تکمله‌ای بر فرهنگ عوام"، شماره‌های ۱ و ۲ مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان، ۱۳۷۹.

۱۳- قرآن کریم، سوره طه، آیات ۴۲ و ۴۳.

۱۴- مولانا جلال‌الدین رومی، مثنوی معنوی، تصحیح نیکلسون، تهران، انتشارات مولی، ۱۳۶۹.

۱۵- قرآن کریم، سوره فرقان، آیه ۶۴.

* یادداشت تحریریه: عدم تغییر برخی واژگان کمتر متداول و بهره‌گیری از شیوه درج پاورقی در تدوین

مقاله حاضر، علیرغم سبک متداول در فصلنامه، بنا به تأکید نویسنده محترم مقاله می‌باشد.